

ارزیابی راهبردهای حقوقی و نهادی برای پایداری و کارآمدی موقوفات در ایران و ترکیه

علی بازیار

دانشجوی دکتری، گروه حقوق خصوصی، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی.

ali.baziyar@iaua.ac.ir

طیب افشارنیا (نویسنده مسئول)

استادیار، گروه حقوق خصوصی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Afsharnia@iaua.ac.ir

جلال جعفری

استادیار، گروه حقوق خصوصی، واحد ملارد، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

0065253574@iaua.ir

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تحلیل تطبیقی ظرفیت‌های حقوقی و نهادی مؤثر بر پایداری و کارآمدی موقوفات در ایران و ترکیه انجام شده است. مسأله اصلی پژوهش، نه صرفاً مقایسه میزان عملکرد موقوفات، بلکه شناسایی تفاوت‌های ساختاری دو نظام در چهار سطح حقوق، نهاد، حکمرانی و مدیریت دارایی و بررسی نسبت این سطوح با پایداری و کارآمدی موقوفات است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و تطبیقی و مبتنی بر مطالعه اسنادی است. در این روش، قوانین و مقررات اصلی دو کشور، اسناد رسمی نهادهای متولی و ناظر، گزارش‌های سازمانی و مطالعات علمی مرتبط بررسی و سپس بر اساس شاخص‌های از پیش تعیین شده با یکدیگر مقایسه شده‌اند. برای جلوگیری از خلط میان وجود یک سازوکار حقوقی و اثربخشی واقعی آن، پایداری حقوقی، پایداری اقتصادی، کارآمدی نهادی و حکمرانی به‌عنوان مفاهیم مستقل تعریف شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نظام حقوقی ترکیه، به‌ویژه در قانون موقوفات شماره ۵۷۳۷ و مقررات ناظر بر فعالیت سازمان کل موقوفات، برای ثبت، حفاظت، اداره و بهره‌برداری اقتصادی از دارایی‌های وقفی چارچوب نسبتاً صریحی ایجاد کرده است؛ در ایران نیز قانون مدنی، قانون اوقاف و قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، چارچوب حقوقی مشخصی برای ایجاد، اداره و نظارت بر موقوفات فراهم کرده‌اند، هرچند سازوکارهای نهادی و مدیریتی در این دو نظام متفاوت است. بر اساس شاخص‌های تطبیقی، نمی‌توان صرف وجود مقررات یا تمرکز نهادی را به‌تنهایی دلیل کارآمدی بیشتر یک نظام دانست.

واژگان کلیدی: موقوفات، پایداری حقوقی، حکمرانی وقف، ایران، ترکیه.

مقدمه

موقوفات به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در جهان اسلام، نقش بسزایی در تأمین منابع مالی و توسعه اجتماعی ایفا می‌کنند. این نهادها، با سرمایه‌گذاری بلندمدت در زمینه‌های آموزشی، بهداشتی، فرهنگی و خیریه، علاوه بر تأثیر اقتصادی، در تقویت انسجام اجتماعی و حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر نیز مؤثرند. با این حال، در دهه‌های اخیر، بسیاری از موقوفات در ایران و ترکیه با چالش‌های جدی مواجه شده‌اند؛ از جمله ضعف در چارچوب‌های قانونی، ناکارآمدی ساختارهای مدیریتی، کمبود شفافیت اطلاعاتی و محدودیت منابع مالی. این مسأله ضرورت بررسی و ارزیابی راهبردهای حقوقی و نهادی موقوفات برای ارتقای پایداری و کارآمدی آنها را دوجندان کرده است. پژوهش حاضر بررسی می‌کند که نظام‌های حقوقی و نهادی موجود در ایران و ترکیه تا چه اندازه توانسته‌اند پایداری و کارآمدی موقوفات را تضمین کنند. سؤال اصلی پژوهش این است که راهبردهای حقوقی و نهادی کنونی چگونه می‌توانند به بهبود کارکرد، پایداری مالی و اثربخشی اجتماعی موقوفات در دو کشور کمک کنند؟ پاسخ به این سوال، ضمن شناسایی نقاط قوت و کاستی‌های هر نظام، می‌تواند الگوهای بهینه برای اصلاح سیاست‌ها و مدیریت موقوفات ارائه دهد. مفاهیم و چارچوب تحلیلی پژوهش به این شکل است:

۱- پایداری حقوقی: پایداری حقوقی در این پژوهش به معنای قابلیت چارچوب حقوقی برای تضمین استمرار شخصیت، هدف و دارایی موقوفه در طول زمان است. این مفهوم سه عنصر دارد: نخست، وضوح قواعد مربوط به ایجاد و اداره موقوفه؛ دوم، حمایت از اصل و کارکرد دارایی وقفی؛ و سوم، وجود سازوکارهایی برای انطباق ساختار اداره موقوفه با تغییرات اقتصادی و اجتماعی بدون عدول از هدف وقف. بنابراین، پایداری حقوقی با صرف قدمت قانون یا تعداد مقررات سنجیده نمی‌شود، بلکه به قابلیت قواعد برای حفظ استمرار حقوقی و عملی وقف توجه دارد.

۲- پایداری اقتصادی: پایداری اقتصادی ناظر به توان موقوفه در حفظ ارزش دارایی و ایجاد درآمد یا منفعت مستمر برای تحقق هدف وقف است. در این سطح، امکان بهره‌برداری اقتصادی از دارایی، تنوع منابع درآمدی، مدیریت حرفه‌ای دارایی و قابلیت واکنش به تغییرات بازار اهمیت دارد. پایداری اقتصادی با کارآمدی نهادی یکسان نیست؛ ممکن است ساختار نهادی از نظر تقسیم صلاحیت‌ها منظم باشد، اما دارایی موقوفه بازده کافی نداشته باشد.

۳- کارآمدی نهادی: کارآمدی نهادی به میزان توانایی نهادهای مسئول در اجرای وظایف قانونی با حداقل اتلاف منابع، تعارض صلاحیت و تأخیر تصمیم‌گیری اشاره دارد. این مفهوم بر نحوه انجام وظیفه تمرکز دارد، نه صرف وجود وظیفه در قانون. بنابراین، برای اثبات کارآمدی واقعی باید علاوه بر قواعد حقوقی، داده‌های عملکردی مانند زمان رسیدگی، هزینه اداره، میزان تحقق اهداف یا شاخص‌های بهره‌وری در دسترس باشد.

۴- حکمرانی موقوفات: حکمرانی موقوفات مجموعه ترتیباتی است که از طریق آن تصمیم‌گیری، مدیریت، نظارت و پاسخگویی در یک موقوفه یا نظام وقفی سازمان می‌یابد. حکمرانی مفهومی گسترده‌تر از شفافیت است و شامل تعیین صلاحیت‌ها، تفکیک نقش متولی و ناظر، کنترل تعارض منافع، سازوکارهای گزارشگری و امکان نظارت داخلی و بیرونی است. از این رو، شفافیت یکی از اجزای حکمرانی محسوب می‌شود و نباید به جای کل مفهوم حکمرانی به کار رود. در جدول زیر یک تفکیک سه گانه انجام داده شده است:

مفهوم	شاخص	سؤال اصلی
پایداری	استمرار درآمد، حفظ دارایی، استمرار خدمات	آیا وقف در بلندمدت قادر به حفظ دارایی و هدف خود است؟
کارآمدی	سرعت تصمیم‌گیری، هزینه اداره، بهره‌وری دارایی	آیا نهادها وظایف خود را با هزینه و اتلاف کمتر انجام می‌دهند؟

مفهوم	شاخص	سؤال اصلی
حکمرانی	تفکیک وظایف، نظارت، پاسخگویی، تعارض منافع	چه کسی تصمیم می‌گیرد و چگونه کنترل می‌شود؟

این پژوهش از حیث هدف، کاربردی و از حیث روش، توصیفی - تحلیلی با رویکرد تطبیقی است و داده‌های آن به شیوه اسنادی گردآوری شده است. منابع اصلی پژوهش شامل قوانین و مقررات ایران و ترکیه، اسناد رسمی نهادهای متولی و ناظر، گزارشهای سازمانی و پژوهشهای علمی مرتبط با حقوق وقف، حکمرانی، پایداری و مدیریت داراییهای وقفی است. در بخش ترکیه، قانون موقوفات شماره ۵۷۳۷، مقررات اجرایی مرتبط و اسناد رسمی سازمان کل موقوفات مبنای تحلیل قرار گرفته‌اند. در بخش ایران نیز قانون مدنی، قانون اوقاف مصوب ۱۳۵۴ و قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳ مبنای تحلیل حقوقی هستند. پژوهش‌های تطبیقی در زمینه نظام حقوقی و نهادی وقف در ایران و ترکیه نشان می‌دهد که هر دو کشور با وجود سابقه طولانی در سنت وقفی، مسیرهای متفاوتی در اصلاح و نوسازی این نهاد پیموده‌اند. مطالعاتی چون پژوهش (Puder, 2022) بر ضعف چارچوب حقوقی و تمرکز بیش از حد دولت بر اداره موقوفات تأکید دارند، در حالی که در ترکیه، پژوهش‌ها نشان می‌دهند (Hanna, 2012) اصلاحات ساختاری بنیاد وقف ترکیه از دهه ۱۹۸۰ موجب افزایش کارایی، شفافیت و مشارکت بخش خصوصی در اداره موقوفات شده است. این پیشینه نشان می‌دهد که ترکیه با ایجاد نظام حکمرانی وقفی چندسطحی و شفاف، توانسته است تعارض میان حبس عین و سرمایه‌گذاری را تا حدی رفع کند، در حالی که ایران هنوز در مرحله بازنگری و بازتعریف حقوقی و نهادی وقف قرار دارد. با وجود این مطالعات، خلأ پژوهشی در سه سطح قابل مشاهده است. نخست، بخش مهمی از مطالعات، حقوق، مدیریت و اقتصاد وقف را جداگانه بررسی کرده‌اند و رابطه میان آنها را در قالب یک چارچوب تحلیلی واحد نشان نداده‌اند. دوم، در مقایسه ایران و ترکیه، تفاوت میان ظرفیت حقوقی و عملکرد واقعی همیشه به صراحت تفکیک نشده است. سوم، مفهوم پایداری گاه به صورت کلی در کنار شفافیت و حکمرانی قرار گرفته و معیارهای مستقل آن مشخص نشده است.

نوآوری پژوهش حاضر در ادعای برتری یک نظام حقوقی نیست؛ بلکه در طراحی یک چارچوب تطبیقی چندسطحی است که رابطه میان حقوق، نهاد، حکمرانی و مدیریت دارایی را تحلیل می‌کند و سپس آثار بالقوه این عناصر را بر پایداری حقوقی، پایداری اقتصادی و کارآمدی نهادی بررسی می‌نماید. در نتیجه، ترکیه در این پژوهش به عنوان الگوی موفق مطلق معرفی نمی‌شود، بلکه برخی سازوکارهای حقوقی و نهادی آن به عنوان تجربه قابل بررسی برای مقایسه با ایران تحلیل می‌گردد.

۱- مفهوم وقف در فقه اسلامی و پایداری موقوفات

وقف در فقه اسلامی غالباً به معنای حبس اصل مال و ایجاد امکان بهره‌برداری از منافع آن تعریف می‌شود. به عبارتی، واقف مالی را از تملک شخصی خود خارج می‌سازد و آن را وقف می‌کند تا منافع آن، در طول زمان، صرف اهداف خیریه یا عمومی گردد. در متون فقه شیعه، وقف به عنوان ابزاری برای تأمین مصلحت عمومی و تأمین نیازهای جامعه معرفی شده است که ضمن حفظ اصل مال، امکان استمرار خدمات عمومی را فراهم می‌آورد (حائری یزدی، ۱۳۸۰: ۱۱۵).

در فقه، تقسیمات مختلفی برای وقف بیان شده است: وقف عام و وقف خاص، وقف معین یا وقف مشروط، وقف فامیلی (وقف بر اولاد) و وقف اجتماعی. در وقف عام، منافع وقف به گروه وسیعی از مستحقان تخصیص می‌یابد؛ در وقف خاص، منافع به گروه محدودتری اختصاص می‌یابد. وقف فامیلی نیز برای انتفاع وراث یا افراد خاص وقف می‌شود، با شرایطی که به حقوق عمومی و عدالت آسیب نرساند در فقه شیعه، برخی از فقهاء قائل به امکان تبدیل شکل موقوفه (مثلاً فروش یا تبدیل به موقوفه‌ای دیگر) در صورتی که مصلحت عمومی مستلزم آن باشد، شده‌اند؛ این دیدگاه مبتنی بر اصول مصلحت‌سنجی و رواداری در فقه است (محقق داماد و مهریار، ۱۳۹۹: ۸۸-۸۹).

مفهوم پایداری موقوفات به توان بقای مالی، مدیریتی و اجتماعی موقوفه در بلندمدت اشاره دارد. این مفهوم در مطالعات معاصر وقف مورد توجه قرار گرفته است، چون وقف اگر صرفاً بر مبنای اهدای دارایی باشد ولی سازوکار مدیریتی لازم را نداشته باشد، در بلندمدت دچار افول خواهد شد. موقوفات باید دارای پایداری مالی، حکمرانی شفاف، مشارکت اجتماعی و همسویی با اهداف توسعه پایدار باشند تا عملکرد مؤثری داشته باشند (Mahmud and Noordin, 2024:6-7). همچنین، پایداری وقف طی سال‌های اخیر رشد چشمگیری داشته، اما تمرکز عملی در سازمان‌های واقف هنوز اندک است و این امر گویای نیاز به پژوهش‌های بیشتر در زمینه عملکرد واقعی موقوفات است (Qurrata et al., 2024: 126). یکی از مؤلفه‌های کلیدی پایداری موقوفات، نظام حکمرانی و شفافیت مدیریتی است. موقوفه برای حفظ پایداری باید از استقلال مالی، پاسخگویی، کارایی عملیاتی و تأثیر اجتماعی برخوردار باشد (Latif, et al., 2018:114)؛ به عبارت دیگر، پایداری شامل دوام درآمدی، مدیریت بهینه و تأثیر مستمر اجتماعی است. افزون بر آن، میراث فقهی وقف نیز تأکید می‌کند که اصل مال وقف باید محفوظ بماند و صرف منافع باشد، مگر آنکه تغییر آن برای افزایش منافع عمومی ضروری باشد و با اجازه شرعی ممکن گردد.

با بررسی منابع فقهی و ادبیات معاصر وقف، به نظر می‌رسد که اگرچه اصول وقف در فقه اسلامی به‌وضوح بر حفظ اصل مال، استمرار منافع و نفع عمومی تأکید دارند، اما ضعف‌های مدیریتی، کمبود شفافیت و غیبت الگوهای پایداری مالی یکی از موانع عمده در تحقق وقف پایدار است. از این رو، پژوهش‌های نوین لازم است رابطه بین مبانی فقهی و سازوکارهای مدیریتی و مالی را در موقوفات به گونه‌ای تلفیقی بررسی کنند، تا وقف نه فقط در قالب نماد دینی بلکه به عنوان نهادی پویا و پایدار در خدمت توسعه تحقق یابد.

۲- ساختار حقوقی و نهادی اداره موقوفات در ایران و ترکیه

هرچند وقف در ایران و ترکیه از ریشه‌های مشترک فقه اسلامی برخوردار است، اما مسیر تحول تاریخی و چارچوب‌های نهادی آن دو کشور متفاوت بوده است. در ایران، ساختار اداره موقوفات بر مبنای فقه شیعی و تحت نظارت سازمان اوقاف شکل گرفته، در حالی که ترکیه پس از اصلاحات دوره جمهوریت، نظامی مدرن و متمرکز را از طریق مدیریت کل موقوفات ایجاد کرده است.

۲-۱- ساختار حقوقی وقف در ایران و ترکیه

در نظام حقوقی ایران، موقوفات عمدتاً تحت نظارت سازمان اوقاف و امور خیریه اداره می‌شوند؛ به‌گونه‌ای که بر مبنای قانون اوقاف مصوب ۱۳۵۴، تمام امور موقوفات عام که متولی ندارند یا مجهول‌التولیه‌اند، به این سازمان واگذار شده است. همچنین قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳ ایران چارچوبی را تعریف کرده که این سازمان موظف است وکلای متولی، هیأت امناء یا امین تعیین کند تا اداره موقوفات را بر عهده بگیرند. ساختار اداری سازمان شامل سازمان مرکزی، ادارات استانی و نمایندگی‌های شهرستانی است؛ چهار معاونتی که هر کدام حوزه‌هایی مانند امور اوقافی، بقاع و اماکن متبرکه، امور مالی و اداری و امور فرهنگی را پوشش می‌دهند، در این ساختار دیده شده است. در این چارچوب، اصل حفظ اصل مال موقوفه و نیز صرف منافع وقف در جهت مورد وقف از مبانی فقهی و حقوقی است که در قانون مدنی ایران نیز بازتاب دارد؛ برای مثال، اهمیت جداسازی متولی - که شخصی است برای اداره موقوفه - و ناظر - که مسئول نظارت بر عملکرد متولی است - در مواد ۷۸ تا ۸۰ قانون مدنی آمده است (مرتضوی و همکاران ۱۴۰۲: ۱۹۴).

در حقوق ترکیه، مفهوم وقف در ماده ۱۰۱ قانون مدنی ترکیه شماره ۴۷۲۱ به عنوان مجموعه‌ای از اموال و حقوق دارای شخصیت حقوقی و اختصاص یافته به هدف معین و مستمر تعریف شده است. مقررات مواد ۱۰۱ تا ۱۱۷ این قانون چارچوب عمومی مربوط به تأسیس و اداره وقف‌های جدید را تشکیل می‌دهد. در کنار آن، قانون موقوفات شماره ۵۷۳۷ مصوب ۲۰۰۸، دامنه گسترده‌تری از موضوعات مربوط به انواع موقوفات، اداره، نظارت، ثبت، حفاظت و بهره‌برداری اقتصادی از دارایی‌های وقفی را تنظیم می‌کند. قانون ۵۷۳۷ صراحتاً مدیریت و نظارت بر موقوفات و نیز مدیریت اقتصادی دارایی‌های آنها را در اهداف

خود قرار داده است. اما ساختار حقوقی وقف، تحت حاکمیت سازمان کل موقوفات^۱ سازماندهی شده است. براساس قانون موقوفات شماره ۵۷۳۷ فعالیت این نهاد تنظیم می‌شود و وظیفه آن حفظ و احیاء اماکن فرهنگی تحت وقف، و نیز مدیریت اقتصادی این املاک در راستای مصارف جاری وقف است (Akar, 2011: 22). از لحاظ تأسیس، وقف در ترکیه می‌تواند تحت عنوان وقف جدید^۲ بر مبنای قانون مدنی ترکیه^۳ مصوب ۱۹۴۹ تأسیس شود؛ لذا آزادسازی تأسیس وقف صورت گرفته است و فرآیند شامل تنظیم سند در دفاتر رسمی، ثبت در محاکم و سپس نظارت توسط سازمان کل موقوفات ترکیه است. علاوه بر این، قانون مدنی ترکیه (ماده ۱۱۱) مقرر می‌دارد که عملکرد وقف، نحوه اداره املاک آن و تطابق آن با هدف اصلی وقف باید توسط اداره‌ی فوق نظارت شود (Karakaya, 2025: 30-31).

مقایسه این دو نظام نشان می‌دهد که در ایران تمرکز بیشتر بر موقوفاتی است که متولی ندارند و مدیریت آنها بر عهده نهاد دولتی گذاشته شده است؛ در حالی که در ترکیه وقف به عنوان یک شخصیت حقوقی مستقل قابل تأسیس است و آن نهاد نظارتی، یعنی سازمان کل موقوفات ترکیه، نظارت سیستماتیک بر وقف دارد. در ایران، با وجود قانون مستقل وقف و نیز قانون تشکیلات، باز هم چالش‌هایی مانند تفکیک متولی و ناظر، و تضمین استدامت مالی موقوفات مطرح است؛ در ترکیه، قانون‌گذاری نسبتاً متمرکزتر در حوزه موقوفات و پیش‌بینی نقش مشخص برای سازمان کل موقوفات، چارچوب نهادی متفاوتی نسبت به ساختار حقوقی ایران ایجاد کرده است. با وجود تحولات مثبت در هر دو کشور، به نظر می‌رسد که ایران برای ارتقای ساختار حقوقی وقف نیازمند تفویض اختیارات بیشتر به نهادهای تخصصی، ترکیب سازوکارهای مالی نوآورانه و تقویت اعتماد عمومی است. در ترکیه نیز اگرچه ساختار قانونی مستحکم است، ولی توجه به پایداری مالی و مشارکت مردمی - نه صرفاً حفظ املاک تاریخی - می‌تواند به تقویت اثربخشی وقف کمک کند.

۲-۲- نظام‌های نهادی و سازوکارهای نظارتی

در مطالعات اخیر، تأکید ویژه‌ای بر اهمیت نظام‌های نهادی و سازوکارهای نظارتی در تحقق پایداری و اثرگذاری موقوفات شده است. چارچوب قانونی دقیق و نهاد نظارتی کارآمد برای حفاظت از حقوق واقف، متولی و مستفید ضروری است (Ismail and Magda, 2023: 80). مؤلفه حکمرانی شامل شفافیت گزارشگری، پاسخگویی متولیان، تفکیک وظایف و نظارت مالی - قوی‌ترین عامل اثرگذار بر پایداری موقوفات بوده است (Rusni et al., 2022: 174). در عمل، ساختار نظارتی موقوفات باید چند سطح را دربر گیرد: اول، تعیین مسئولیت روشن برای متولی (یا هیأت امناء) در اداره دارایی‌ها، دوم، وجود ناظر یا مرجع ثالث که وظیفه بازرسی و گزارش‌دهی را دارد، و سوم، الزام به ارائه گزارش مالی و عملکردی همگانی و امکان دستیابی ذینفعان به اطلاعات. در نظام‌هایی که نظارت ضعیف است، دارایی‌های موقوفه با مخاطراتی چون سوءاستفاده، کاهش ارزش، یا انحراف از هدف واقف روبه‌رو می‌شوند. به‌عنوان مثال، در پژوهش‌هایی که به مدل‌های مالی موقوفات پرداخته‌اند، یکی از چالش‌های مهم، کاستی شفافیت و عدم تفکیک حساب‌ها عنوان شده است.

از سوی دیگر، سازوکارهای نظارتی باید توانایی ارزیابی مستمر عملکرد متولیان را نیز داشته باشند، یعنی علاوه بر کنترل ورودی‌ها (مثل تأسیس وقف، ثبت دارایی‌ها)، کنترل خروجی‌ها (نحوه تخصیص منافع، کیفیت استفاده، تأثیرگذاری اجتماعی) نیز ضروری است. بدون شاخص‌های عملکردی و ارزیابی‌های دوره‌ای، موقوفات حتی با ساختار قانونی مناسب باز هم ممکن است از نظر اقتصادی یا اجتماعی کم‌اثر باقی بمانند (Ayub et al., 2025). با این حال، در بسیاری از کشورها از جمله ایران،

¹ Vakıflar Genel Müdürlüğü (VGM)

² Yeni Vakıf:

این اصطلاح در نظام حقوقی ترکیه پس از اصلاحات دوران جمهوریت به موقوفاتی اشاره دارد که پس از تصویب قانون مدنی جدید و بر اساس نظام حقوقی مدرن تأسیس شده‌اند، در مقابل وقف‌های قدیمی (eski vakıf) که در دوران عثمانی و تحت نظام شرعی پیشین ایجاد شده بودند. به بیان دیگر، «وقف جدید» نوعی شخصیت حقوقی مستقل است که در چارچوب قانون مدنی تأسیس می‌شود و توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی با اهداف خیریه یا عمومی اداره می‌گردد.

³ Türk Medeni Kanunu

چالش‌های نهادی همچون تمرکز بیش از حد اختیارات در نهاد دولتی، نبود فرهنگ گزارش‌دهی مستقل، و کمبود ابزارهای نظارت بیرونی قابل مشاهده است. از سوی دیگر، کشورهایی که نظام وقف را به نحو سهل‌تر و با مشارکت بخش غیردولتی تقویت کرده‌اند، توانسته‌اند از ظرفیت‌های عمومی و مالی موقوفات بهتر بهره ببرند. براساس مطالعات، ترکیب نظام حقوقی قابل اجرا، ارزیابی منظم عملکرد و شفافیت مالی، سه ضلع اصلی حکمرانی موقوفات پایدار هستند.

بنابراین در زمینه موقوفات، صرف تصویب قوانین کافی نیست؛ بلکه بازسازی نظام نظارتی و نهادی، تمرکز بر گزارش‌دهی و شفافیت، و ایجاد مکانیسم‌های پاسخگویی ذی‌نفعان نیز ضروری است. در نظام‌هایی که این سه رکن مستحکم‌اند، موقوفات نه تنها منابع خیریه بلکه ابزارهای توسعه پایدار خواهند شد. توصیه شخصی این است که سیاستگذاران، ارزیابی مستقل عملکرد موقوفات را به عنوان بخشی از ساختار حکمرانی نهادینه کنند و از تجربیات بین‌المللی برای طراحی شاخص‌های بومی استفاده نمایند.

جدول مقایسه حقوقی و نهادی دو نظام

موضوع	ایران	ترکیه	نوع نتیجه قابل استناد
تعریف و شخصیت حقوقی	قانون مدنی و قواعد خاص وقف	قانون مدنی شماره ۴۷۲۱، مواد ۱۰۱ به بعد	مقایسه حقوقی
قواعد اختصاصی	قانون اوقاف ۱۳۵۴ و قانون تشکیلات ۱۳۶۳	قانون موقوفات شماره ۵۷۳۷	مقایسه چارچوب قانونی
نهاد دولتی مرتبط	سازمان اوقاف و امور خیریه	سازمان کل موقوفات	مقایسه ساختار نهادی
نظارت	بر اساس نوع موقوفه و وضعیت تولیت	سازوکارهای نظارتی مقرر در قوانین و مقررات	مقایسه ظرفیت نظارتی
مدیریت دارایی	اصل حفظ مال و مصرف منافع در چارچوب وقف	تأکید قانونی بر ثبت، حفاظت و بهره‌برداری اقتصادی	مقایسه ظرفیت مدیریت دارایی
داده عملکردی	نیازمند گردآوری شاخص‌های عملکردی	گزارش‌های عملکرد و برنامه‌های رسمی VGM در دسترس است	برای اثبات کارآمدی نیازمند تحلیل مستقل

۳- ارزیابی راهبردهای حقوقی و نهادی برای پایداری موقوفات

پایداری موقوفات در گرو وجود راهبردهای حقوقی و نهادی منسجم است که بتوانند میان اهداف شرعی، الزامات اقتصادی و نیازهای اجتماعی توازن برقرار کنند. چارچوب‌های قانونی و سازمانی در کشورهای اسلامی نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ دارایی‌های وقفی، افزایش کارآمدی مدیریتی و جلوگیری از انحراف از نیت واقف دارند. در این بخش، راهبردهای حقوقی و نهادی مؤثر بر پایداری موقوفات در ایران و ترکیه با رویکرد تطبیقی بررسی می‌شود تا نقاط قوت، ضعف و قابلیت‌های ارتقای نظام‌های موجود شناسایی گردد.

۳-۱- سیاست‌ها و برنامه‌های اصلاحی در ایران و ترکیه

در دو دهه اخیر سیاست‌ها و برنامه‌های اصلاحی در حوزه موقوفات در ایران و ترکیه جهت‌گیری مشخصی به سمت تقویت حکمرانی، شفافیت مالی و بهره‌وری اقتصادی داشته‌اند، اما مسیر و ابزارها در هر کشور تفاوت‌های ساختاری معناداری نشان می‌دهد. در ترکیه، بازنگری اساسی با تصویب قانون موقوفات شماره ۵۷۳۷ و تقویت نقش سازمان کل موقوفات انجام شد؛ این قانون هدف‌گذاری‌های روشنی برای ثبت، حفاظت از اموال وقفی، مدیریت اقتصادی دارایی‌ها و نظارت متمرکز ارائه می‌دهد و نهاد سازمان کل موقوفات نقش تنظیم‌گر و ناظر ملی را بر عهده گرفته است، امری که ساختار حقوقی و اجرایی قدرتمندی برای اعمال سیاست‌های اصلاحی فراهم کرده است (Yildirim, 2013: 588). سیاست‌های اصلاحی در ترکیه علاوه بر بازتعریف

جایگاه نظارتی، شامل واگذاری مدیریت برخی اموال به نهادهای محلی، بازسازی حقوقی وقف‌های قدیمی و ایجاد سیستم‌های ثبت و حسابداری منسجم برای املاک وقفی بوده است؛ این اقدامات منجر به افزایش شفافیت و بازگشت بخشی از املاک تاریخی به کاربری اجتماعی شده است، اما نقدهایی نیز درباره تمرکز تصمیم‌گیری و اثرات سیاسی‌سازی مدیریت موقوفات مطرح است.

در ایران، اصلاحات رسمی عمدتاً حول محور تقویت سازمان اوقاف و امور خیریه به‌عنوان مرجع دولتی مدیریت موقوفات و اقدامات تقنینی و اداری برای مستندسازی و احیای موقوفات متمرکز بوده است. سازمان اوقاف برنامه‌هایی برای شناسایی، سنددار کردن املاک، به‌کارگیری سامانه‌های اطلاعاتی و افزایش بهره‌وری اقتصادی موقوفات پی‌ریزی کرده و در سال‌های اخیر از جمله اقداماتش، راه‌اندازی سامانه‌های شناسایی و گزارش‌دهی و اعلام تمایل به شفاف‌سازی گسترده سرمایه‌های موقوفه بوده است. با این حال، نقد محوری بر اصلاحات در ایران فقدان اصلاحات ساختاری عمیق ناظر بر تفکیک وظایف متولی و ناظر، محدودیت در تنوع ابزارهای سرمایه‌گذاری و کمبود مکانیسم‌های مستقل ارزیابی عملکرد است؛ گزارش‌ها و مطالعات نشان می‌دهد که بدون ایجاد چارچوب‌های حاکمیتی نوین (شامل هیأت‌های مستقل ناظر، الزامات گزارشگری مالی استاندارد و ابزارهای سرمایه‌گذاری غیرمتمرکز)، تلاش‌های سنددارسازی و احیای فیزیکی موقوفات به تنهایی برای تضمین پایداری مالی و اجتماعی کافی نخواهد بود (سیدحسینی، ۱۳۹۲: ۱۱۷-۱۱۸). نخستین راهبرد، افزایش وضوح و انسجام قواعد مربوط به اداره موقوفات است. قواعد حقوقی باید حدود اختیار واقف، متولی، ناظر و نهاد دولتی را از یکدیگر تفکیک کنند و در موارد تعارض صلاحیت، مرجع تصمیم‌گیر را مشخص سازند. در ایران، این امر مستلزم هماهنگی میان قواعد قانون مدنی و قوانین خاص اوقاف است. در ترکیه نیز قانون مدنی و قانون شماره ۵۷۳۷ باید در کنار مقررات اجرایی آن تحلیل شوند تا مشخص شود هر نوع موقوفه تحت چه سازوکار مدیریتی و نظارتی قرار می‌گیرد.

مقایسه تجربیات دو کشور نشان می‌دهد که مؤلفه‌های موثر در سیاست‌های موفق عبارت‌اند از: (۱) اصلاح قانونگذاری به منظور تضمین استقلال ساختاری یا تعیین وظایف شفاف نهاد ناظر؛ (۲) ایجاد سامانه‌های ثبت و گزارش‌دهی مالی مطابق استانداردهای حسابداری عمومی؛ (۳) تنوع‌بخشی به منابع درآمدی و استفاده از ابزارهای سرمایه‌گذاری حرفه‌ای؛ و (۴) تقویت مشارکت اجتماعی و نظارت ذی‌نفعان برای افزایش پاسخگویی. مطالعات تطبیقی نیز هشدار می‌دهند که پیاده‌سازی الگوهای موفق ترکیه نیازمند بومی‌سازی دقیق است تا با چارچوب‌های فقهی و نهادی ایران ناسازگار نباشد. برای ارتقای پایداری موقوفات در ایران توصیه می‌شود سیاست‌گذاران راهبرد دوگانه‌سازی اصلاحات را دنبال کنند: هم اصلاحات حقوقی ملموس (برای تفکیک دقیق وظایف، تعیین چارچوب‌های شفاف ثبت و گزارشگری و قانونی‌سازی ابزارهای سرمایه‌گذاری مدرن) و هم بازسازی نهادی (ایجاد هسته‌های مستقل ارزیابی، ظرفیت‌سازی حرفه‌ای مدیران موقوفات و افزایش مشارکت مردمی). تجربه ترکیه نشان می‌دهد که وجود نهاد ناظر قدرتمند و قوانین کارا کارایی را افزایش می‌دهد، ولی بدون تضمین استقلال فرایندها و شفافیت مالی، ریسک سیاسی‌سازی و ناکارآمدی باقی خواهد ماند. در سطح نهادی، مسئله اصلی تفکیک نقش‌هاست. نهاد مسئول مدیریت نباید همزمان تنها مرجع ارزیابی عملکرد خود باشد. ساختار مطلوب باید حداقل میان مدیریت اجرایی، نظارت و ارزیابی عملکرد تمایز ایجاد کند. این تفکیک به معنای حذف نقش دولت نیست؛ بلکه هدف آن جلوگیری از تمرکز نامتناسب وظایف و ایجاد امکان کنترل متقابل است.

در ترکیه، وجود سازمان کل موقوفات و تفکیک انواع موقوفات در قانون ۵۷۳۷ امکان بررسی دقیق‌تر نقش نهاد مرکزی را فراهم می‌کند. در ایران نیز سازمان اوقاف در حوزه‌هایی که قانون برای آن تعیین کرده است، نقش مهمی دارد. بنابراین، مقایسه صحیح نباید بر این گزاره استوار باشد که تمرکز ذاتاً خوب یا بد است؛ بلکه باید بررسی شود که تمرکز صلاحیت‌ها با چه سازوکارهایی از تعارض منافع، تأخیر و ضعف نظارت جلوگیری می‌کند.

دو راهبرد کلیدی برای افزایش بهره‌وری اقتصادی و تقویت شفافیت در نهادهای وقف برجسته شده‌اند: نخست، تمرکز بر توسعه وقف‌های مولد⁴ و دوم، ارتقای حساسیت‌دهی و گزارشگری مالی به‌عنوان عنصر بنیادین اعتماد عمومی و کارکرد اثربخش. در زمینه وقف مولد با شاخص مال‌کوئیست بهره‌وری مؤسسات وقفی در اندونزی بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۱ با نوساناتی مواجه بوده و صرف دارایی‌های بزرگ بدون مدیریت استراتژیک به بهره‌وری پایین منجر شده است (Maulida and Nisful, 2023: 5-6). از سوی دیگر، مطالعه‌ای در عربستان سعودی بیان می‌کند که عدم شفافیت، ضعف در حکمرانی و مشارکت محدود عمومی، مانع تحقق کامل ظرفیت‌های وقف سرمایه‌ای شده است (Elmahgop et al., 2025: 3805). تحلیل این مطالعات حاکی از آن است که راهبردهایی همچون تدوین مدل‌های کسب‌وکار وقف، تنوع‌بخشی به سرمایه‌گذاری دارایی‌های وقفی و به‌کارگیری فناوری برای مدیریت دارایی می‌توانند کارایی اقتصادی را ارتقا دهند. این گونه فضای سرمایه‌گذاری وقفی از حالت منفعل به فعال تغییر می‌یابد و امکان تخصیص منابع به پروژه‌های درآمدزا فراهم می‌شود. بدون گزارشگری مالی منسجم و سیستماتیک، اعتماد واقفان، ذی‌نفعان و عامه جامعه کاهش خواهد یافت و این امر به کاهش منابع مالی، انجماد دارایی‌ها و افت عملکرد می‌انجامد (Shariff, et al., 2023: 42). بر این اساس راهبرد بعدی، تقویت قواعد مربوط به مدیریت اقتصادی دارایی بدون عدول از هدف وقف است. مدیریت اقتصادی به معنای تبدیل وقف به بنگاه تجاری صرف نیست؛ بلکه مقصود آن استفاده از ظرفیت‌های قانونی برای حفظ ارزش دارایی، ایجاد درآمد پایدار و تأمین مستمر هدف وقف است. در این زمینه، مقررات باید شرایط سرمایه‌گذاری، اجاره، توسعه دارایی، استبدال در موارد مجاز و کنترل ریسک را روشن کنند.

بنابراین، راهبردهای مؤثر باید شامل سه مؤلفه باشند: (۱) طراحی و اجرای سازوکارهای سرمایه‌گذاری برای دارایی‌های وقفی با هدف تولید درآمد پایدار، (۲) به‌کارگیری فناوری‌های نوین برای رصد، گزارشگری و مشارکت عمومی (مانند پلتفرم‌های آنلاین و بلاک‌چین) و (۳) ایجاد شفافیت و پاسخگویی از طریق انتشار گزارش‌های مالی، ارزیابی عملکرد و مشارکت ذی‌نفعان. مطالعات تطبیقی نشان می‌دهند که صرفاً الزام حقوقی برای گزارشگری کافی نیست؛ بلکه ترکیب فناوری، مدیریت حرفه‌ای و مشارکت مردمی است که موجب ارتقای بهره‌وری و اعتماد می‌شود. بر این اساس، برای کاربردی شدن این راهبردها در کشورمان، توصیه می‌شود مدیران موقوفات علاوه بر تمرکز بر اصل حفظ دارایی، با دیدگاه سرمایه‌گذاری عمل کنند؛ به‌گونه‌ای که دارایی‌های وقفی به پروژه‌های درآمدزا تبدیل شوند و گزارشگری مالی به‌صورت شفاف و قابل دسترسی در اختیار عموم قرار گیرد. تنها در این شرایط است که موقوفات می‌توانند از حوزه خیر عمومی فراتر رفته و به ابزار توسعه پایدار تبدیل شوند.

۳-۳- بازنگری قوانین اوقاف بر مبنای توسعه پایدار

بازنگری قوانین اوقاف باید به‌صورت هدف‌مند و مبتنی بر معیارهای توسعه پایدار انجام شود؛ این بازنگری نه صرفاً به‌معنای اصلاح زبانی متون قانونی، بلکه تغییر ساختاری در اهداف، ابزارها و سازوکارهای اجرایی وقف است تا موقوفات بتوانند نقش بالقوه خود را در تأمین مالی پایدار خدمات عمومی و توسعه محلی ایفا کنند. از منظر حقوقی، چهار محور سیاست‌گذاری برای بازآفرینی قانونی وقف قابل شناسایی و اقتباس است: (۱) قانونی‌سازی و تشویق وقف مولد و صندوق‌های سرمایه‌گذاری وقفی، (۲) تضمین شفافیت از طریق ثبت دیجیتال و استانداردهای گزارشگری مالی، (۳) تسهیل تبدیل و استبدال املاک در چارچوب مصلحت شرعی و حکمرانی باز، و (۴) ادغام معیارهای محیط‌زیستی و اجتماعی در هدف‌گذاری وقفی. مطالعات تجربی نشان می‌دهد که ایجاد نهادهای تخصصی برای مدیریت سرمایه‌های وقفی و شکل‌دهی به صندوق‌های سرمایه‌گذاری وقفی می‌تواند کارکرد اقتصادی موقوفات را به‌طور قابل‌توجهی ارتقاء دهد و هم‌زمان اهداف اجتماعی را تأمین کند (Elmahgop et al., 2025: 3805). منظور از صندوق‌های سرمایه‌گذاری وقفی در این پژوهش، سازوکار سازمان‌یافته‌ای برای تجمیع، نگهداری و سرمایه‌گذاری بلندمدت دارایی‌های اختصاص‌یافته به اهداف وقفی، به‌ویژه توسعه آموزش عالی و پژوهش علمی است که در آن، تمام یا بخشی از عواید حاصل از سرمایه‌گذاری، مطابق با قصد واقف و ضوابط حاکم بر مصرف دارایی‌های وقفی، به تأمین هزینه‌های دانشگاهی، اعطای بورسیه تحصیلی، حمایت از اعضای هیأت علمی، توسعه زیرساخت‌های پژوهشی و سایر

⁴ productive waqf

فعالیت‌های علمی اختصاص می‌یابد. در این الگو، به جای اتکای صرف به درآمدهای جاری یا کمک‌های مقطعی، از مدیریت حرفه‌ای دارایی‌ها برای ایجاد منبع مالی پایدار و استمرار تأمین هزینه‌های علمی در بلندمدت استفاده می‌شود. از این حیث، حفظ ارزش دارایی‌های پایه، مدیریت ریسک سرمایه‌گذاری و رعایت محدودیت‌های مقرر از سوی واقف، از الزامات اساسی عملکرد این سازوکار به شمار می‌روند.

تجربه دانشگاه‌های برخوردار از موقوفات و سرمایه‌های وقفی در کشورهای مختلف، اهمیت این الگوی تأمین مالی را نشان می‌دهد. برای نمونه، دانشگاه هاروارد از مجموعه‌ای از منابع مالی موقوفه‌ای تشکیل شده از کمک‌های اختصاص‌یافته بهره می‌برد که از طریق سرمایه‌گذاری مدیریت می‌شوند و عواید آن‌ها در حوزه‌هایی مانند آموزش، پژوهش، بورسیه‌ها و تأمین مالی کرسی‌های دانشگاهی مصرف می‌شود (Harvard University, 2026). دانشگاه آکسفورد نیز از دارایی‌های وقفی و وجوه خیریه‌ای برخوردار است که در چارچوب ترتیبات امانی و با رعایت اهداف تعیین‌شده، مدیریت و مصرف می‌شوند (University of Oxford, 2026). در ترکیه نیز بنیاد وهبی کوچ، از طریق حمایت از دانشگاه کوچ و سایر نهادهای آموزشی، نمونه‌ای از نقش بنیادهای غیرانتفاعی در تأمین مالی و توسعه آموزش عالی به شمار می‌رود (Koç Holding, 2026). البته این نمونه‌ها از حیث ساختار حقوقی، شیوه اداره دارایی‌ها و رابطه میان بنیاد، دانشگاه و اموال اختصاص‌یافته یکسان نیستند؛ از این رو، اطلاق عنوان «صندوق سرمایه‌گذاری وقفی» به آن‌ها در این پژوهش، ناظر بر کارکرد تأمین مالی پایدار و سرمایه‌گذاری دارایی‌های اختصاص‌یافته به اهداف علمی است، نه لزوماً وجود نهادی حقوقی با عنوان و ساختار واحد. بر این اساس، کاربرد اصطلاح «صندوق‌های سرمایه‌گذاری وقفی» در پژوهش حاضر، مفهومی توصیفی و تحلیلی دارد و به معنای شناسایی یک قالب حقوقی مستقل با همین عنوان در نظام حقوقی ایران نیست؛ بلکه مقصود، بررسی امکان بهره‌گیری از سازوکارهای مالی و مدیریتی مشابه، با رعایت ماهیت حقوقی وقف، قصد واقف و الزامات قانونی مربوط به اداره و مصرف موقوفات، در راستای تقویت منابع مالی پایدار دانشگاه‌ها و موقوفات علمی است.

اصلاح مقررات زمین و مالکیت وقفی از دیگر ضرورت‌هاست؛ پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهند که توسعه اقتصادی از طریق فعال‌سازی زمین‌های وقفی نیازمند تعیین مالکیت شفاف، حقوق ثبت‌شده و مکانیسم‌های حقوقی برای توسعه پایدار اراضی است. عوامل موفقیت توسعه اراضی وقفی شامل چارچوب قانونی حمایت‌کننده، مشارکت جامعه محلی، و استراتژی‌های بازاریابی و مدیریت حرفه‌ای است (Ishak et al., 2024: 101244). بنابراین، قانون‌گذار باید مقررات ثبت و سنددارکردن املاک وقفی، تسهیل تضمین‌های حقوقی برای سرمایه‌گذاری و ایجاد مجوزهای توسعه را پیش‌بینی کند.

افزون بر این، حکمرانی شفاف و الزام به گزارشگری مالی استاندارد برای موقوفات، پیش‌شرط جذب سرمایه عمومی و تقویت اعتماد است. چارچوب‌های نظارتی موفق آن‌هایی هستند که علاوه بر الزام قانونی به گزارش‌دهی، سامانه‌های دیجیتال ثبت اموال وقفی و دسترسی عمومی به گزارش‌های عملکردی را فراهم می‌کنند؛ تجربه‌های تطبیقی نشان می‌دهد که ترکیب الزام قانونی و فناوری اطلاعات، نظارت بیرونی و مشارکت ذی‌نفعان را تقویت می‌کند (Hassan et al., 2022: 176).

حوزه نوظهور که باید در بازنگری‌های قانونی وارد شود، تلفیق مفاهیم وقف سبز⁵ و معیارهای محیط‌زیستی، اجتماعی و حکمرانی⁶ است. این رویکرد، امکان تخصیص منابع وقف به پروژه‌های سازگار با اقلیم، بازسازی منابع طبیعی و توسعه اقتصاد سبز را فراهم می‌آورد و با اهداف توسعه پایدار هم‌راستا است؛ مقالات اخیر پیشنهاد می‌کنند که قوانین وقف باید مجوزهای لازم برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های سبز و ابزارهایی مانند اوراق وقف سبز را پیش‌بینی کنند.

برای اجرای عملی این تغییرات پیشنهاد می‌شود: (الف) تدوین فصل جدید در قوانین اوقاف برای وقف مولد و صندوق‌های وقف؛ (ب) الزام ثبت دیجیتال کلیه املاک وقفی و انتشار سالیانه گزارش‌های مالی مبتنی بر استانداردهای حسابداری عمومی؛ (ج) پیش‌بینی سازوکارهای حقوقی برای استبدال یا تجدید ساختار موقوفات در صورت احراز مصلحت عمومی؛ و (د) تصویب

⁵ Green Waqf

⁶ ESG

مشوق‌های مالیاتی یا اعتباری برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های وقفی دارای بازده اجتماعی و زیست‌محیطی. ادغام این سازوکارها با آموزش مدیریتی حرفه‌ای برای متولیان، می‌تواند شکاف بین نص شرعی وقف و ظرفیت اجرایی کنونی را پر کند (Rusydia et al., 2025 : 55-59).

بنابراین، بازنگری قوانین اوقاف باید فراتر از اصلاحات پراکنده باشد و به عنوان یک پروژه جامع قانون‌گذاری-نهادی در نظر گرفته شود که هدفش هم‌افزایی میان حفظ ارزش‌های شرعی وقف و تحقق کارکردهای اقتصادی-اجتماعی پایدار است. تنها از مسیر ترکیب اصلاحات قانونی (برای تعیین حقوق، ثبت و ابزارهای سرمایه‌گذاری)، نهادسازی تخصصی (برای مدیریت و نظارت حرفه‌ای) و نوآوری مالی-زیست‌محیطی (مانند وقف مولد و وقف سبز) می‌توان انتظار داشت موقوفات نقش مؤثری در توسعه پایدار ایفا کنند.

۴- الگوی پیشنهادی برای پایداری و کارآمدی موقوفات

تحقق پایداری و کارآمدی موقوفات مستلزم وجود الگویی منسجم است که بتواند میان ابعاد فقهی، حقوقی، اقتصادی و نهادی وقف پیوند برقرار کند. بررسی تطبیقی نظام‌های وقفی در ایران و ترکیه نشان داده است که نبود هماهنگی میان قوانین، نهادهای اجرایی و ابزارهای مالی، مانع تحقق ظرفیت‌های واقعی وقف در توسعه پایدار است. از این رو، ارائه الگویی بومی و درعین حال الهام‌گرفته از تجارب موفق بین‌المللی می‌تواند مسیر اصلاح و نوسازی موقوفات را به‌سوی بهره‌وری بیشتر، شفافیت نهادی و مشارکت اجتماعی هدایت کند.

۴-۱- اصول و شاخص‌های طراحی الگوی مطلوب

در طراحی الگوی مطلوب برای پایداری و کارآمدی موقوفات، چندین اصل و شاخص کلیدی از ادبیات تخصصی برجسته شده که رعایت دقیق آن‌ها می‌تواند سبب افزایش اثرگذاری و دوام استراتژیک نظام وقف شود. نخست، اصل حاکمیت مطلوب^۷ مطرح است که شامل ابعاد شفافیت، پاسخ‌گویی، استقلال متولیان، تفکیک وظایف ناظر و متولی و نظارت عملکردی می‌شود. مطالعات دانشگاهی در نهادهای وقفی مالزی نشان می‌دهد که ابعاد سیاست حکمرانی، هیأت حکمرانی و فرآیندهای حکمرانی با عملکرد مالی مؤسسات وقفی رابطه مثبت و معناداری دارند؛ در این تحقیق، پس از تحلیل متن گزارش‌های سالانه، نتیجه شده است که بهبود شفافیت اطلاعاتی مستلزم اطلاع‌رسانی عمومی مؤسسات وقفی است (Kamaruddin and Hanefah, 2021: 467). دوم، اصل اندازه‌گیری و شاخص‌گذاری عملکرد^۸ است. متولیان موقوفات باید شاخص‌های کلیدی عملکرد را در سه حوزه مالی، اجتماعی و محیط‌زیستی تدوین کنند تا پویایی و تأثیر بلندمدت وقف قابل پایش شود (Moghadas et al., 2025: 5-7). این شاخص‌ها شامل نرخ بازده دارایی وقفی، تعداد ذینفعان، سهم سرمایه در پروژه‌های توسعه، میزان انتشار گزارش مالی و شاخص‌های اثرگذاری بر زندگی مستفیدان است. سوم، اصل یکپارچگی با توسعه پایدار است. انسجام میان اهداف وقف با چارچوب ۱۷ هدف توسعه پایدار، به‌ویژه در جوامع مسلمان، ضعف دارد، و برای تحقق ظرفیت کامل وقف لازم است که هدف‌گذاری وقف بازتنظیم شود تا با شاخص‌های اقلیمی، اجتماعی و حکمرانی همراستا شود (Qurrata et al., 2024: 117). بنابراین، یکی از شاخص‌های طراحی می‌تواند درصد دارایی وقفی تخصیص‌یافته به پروژه‌های سازگار با محیط‌زیست یا اقتصادی اشتغال‌زا باشد. چهارم، اصل شفافیت مالی و گزارشگری است که ضرورتی برای قابلیت مقایسه، اعتبار بخشی و اعتماد عمومی به مؤسسات وقفی است. فقدان یکپارچگی در روش ارزش‌گذاری دارایی‌ها، تنوع شیوه‌های گزارشگری و نبود استاندارد تخصیص‌های وقفی، مانع ارتقای کارآمدی می‌شود (Roslan and Muhamad, 2024: 66). بنابراین شاخص‌های مهم در این بُعد عبارت‌اند از: درصد انتشار گزارش مالی عمومی، تعداد دارایی‌های مسجل شده به‌صورت دیجیتال، و میزان تطابق با استاندارد حسابداری بین‌المللی. پنجم، اصل انعطاف‌پذیری ساختاری که امکان پاسخگویی به تغییرات اقتصادی، اجتماعی و فناوری را فراهم می‌آورد. موقوفات برای ایفای نقش فعال در اقتصاد قرن ۲۱ نیازمند مدل‌های

⁷ good governance

⁸ performance measurement and KPI

کسب‌وکار وقف مولد، مشارکت مردمی و بهره‌گیری از تکنولوژی‌هایی مانند پلتفرم‌های آنلاین و زنجیره بلوک (بلاک چین) هستند (Mahardika and Tanweer, 2025: 84). شاخص‌هایی همچون درصد دارایی وقفی سرمایه‌گذاری شده در مدل‌های مولد یا تعداد پروژه‌های مشترک با بخش خصوصی می‌تواند در این بُعد قرار گیرد.

به نظر نگارنده، الگوی مطلوب طراحی موقوفات باید بر پایه حکمرانی خوب، شاخص‌گذاری دقیق عملکرد، انطباق با توسعه پایدار، گزارشگری مالی شفاف و قابلیت نوآوری ساختاری بنا شود. این پنج اصل باید در قالب شاخص‌های قابل پایش تنظیم شوند تا هم وضعیت جاری سنجیده شود و هم تغییرات بهبوددهنده هدایت گردد. برای کارساز بودن این اصول در نظام وقفی ایران، لازم است متولیان موقوفات به‌صورت نظام‌مند به تدوین شاخص‌های داخلی بر پایه این اصول بپردازند، سامانه‌ای برای گزارشگری عمومی ایجاد کنند و مدل‌های کسب‌وکاری وقف را با همکاری بخش خصوصی بازطراحی نمایند. بدون چنین شاخص‌سازی و سازوکار پایش، ادعای کارآمدی موقوفات تنها در سطح شعاری باقی خواهد ماند.

۴-۲- پیشنهاد ساختار حقوقی-نهادی یکپارچه

در بررسی نظام‌های واقعی موجود در جوامع مسلمان، مشخص شده است که یکی از موانع بزرگ در پایداری و اثربخشی موقوفات، نبود ساختاری حقوقی-نهادی یکپارچه است که بتواند سازوکارهای قانونگذاری، نهادسازی، نظارت و حکمرانی را به‌صورت هماهنگ پیش ببرد. برای مؤثر بودن وقف، لازم است چارچوب قانونگذاری با نظام‌های اجرایی، مالی و نظارتی هم‌راستا شود تا از پراکندگی مقررات، تداخل متولی و ناظر، و ضعف پاسخ‌گویی جلوگیری شود (Hadi et al., 2025: 34). طراحی پیشنهادی ساختار حقوقی-نهادی یکپارچه می‌تواند بر سه سطح اصلی استوار باشد: سطح اول قانونگذاری و سیاست‌گذاری کلان است، جایی که قانون وقف به‌عنوان مبنای حقوقی نهاد وقف، دارایی آن، اهداف واقف، حقوق و تکالیف متولیان و ناظران تعریف می‌شود. قانون قوی باید مسئولیت‌ها را شفاف تعیین کند، اموال موقوفه را ثبت نماید، و تضمین‌هایی برای جلوگیری از سوءاستفاده فراهم آورد (Latif et al., 2018: 115). سطح دوم، نهادسازی و ساختار اجرایی است: یعنی ایجاد یا ساماندهی نهاد متولی موقوفات، نهاد ناظر (دولت یا نهاد عمومی غیردولتی) و شبکه‌ای از بنگاه‌های تولیدی وقفی (وقف مولد). در این سطح، ساختاری که پیشنهاد می‌شود باید تفکیک وظایف داشته باشد؛ متولی صرفاً مدیریت دارایی و تولید منافع، ناظر صرفاً نظارت و حسابرسی، و هیأت امنایی مستقل خط مشی‌گذاری کند (Zulkifli et al., 2022: 6). سطح سوم، سازوکارهای نظارتی و پشتیبانی فناوری است: در این سطح، قانون باید انتشار گزارش مالی سالانه، دسترسی عمومی به اطلاعات موقوفات، و سامانه ارزیابی عملکرد را الزام کند و فناوری‌هایی چون ثبت دیجیتال دارایی‌ها، پایگاه داده موقوفات و ابزارهای تحلیلی مالی را پیش‌بینی نماید. پیاده‌سازی بنیادین حکمرانی وقف خوب و نظارت قانونی رابطه معنی‌داری با عملکرد مالی دارد (Suhailah et al., 2024: 159).

به نظر نگارنده ترکیب این سه سطح در قالب ساختار واحد، نه تنها امکان تقویت بهره‌وری و کارآمدی موقوفات را فراهم می‌آورد، بلکه مسیر تحقق توسعه اجتماعی-اقتصادی را نیز هموار می‌کند؛ زیرا وقف در این چارچوب از بنگاه خیریه منفعل به سازمانی تولیدکننده و مؤثر تبدیل می‌شود. از منظر سیاست‌گذاری، پیشنهاد می‌شود که کشورها برای توسعه این الگو: (الف) قانون وقف را به‌روزرسانی کنند و برای وقوف مولد، سرمایه‌گذاری و مشارکت بخش خصوصی مسیر قانونی باز کنند، (ب) نهاد متولی، ناظر و هیأت امناء را در چارچوب وظایف تعریف‌شده تفکیک کنند، (ج) سامانه‌های ثبت، گزارشگری و ارزیابی عملکرد را الزامی نمایند، و (د) بهره‌گیری از فناوری و داده‌های بزرگ (big data) را برای نظارت و تحلیل عملکرد موقوفات تضمین نمایند. طراحی ساختار حقوقی-نهادی یکپارچه برای موقوفات در ایران و کشورهای مشابه، ضرورت انقلاب ساختاری در حوزه وقف را نشان می‌دهد. بدون چنین ساختاری، هرچند اقدامات خرد صورت گیرد، مثلاً سنددارکردن اموال یا تأسیس صندوق وقف، اما نتایج در قالب بهره‌وری اقتصادی، شفافیت نهادی و اثرگذاری اجتماعی پایدار تحقق نخواهد یافت. اصطلاح «تجارب موفق بین‌المللی» در این پژوهش به معنای پذیرش پیشینی برتری یک کشور نیست. بر این اساس، ترکیه در زمینه ساختار قانونی موقوفات، نقش نهاد

مرکزی، مدیریت دارایی و سازوکارهای اداری بررسی می‌شود؛ مطالعات مالزی در زمینه حکمرانی و گزارشگری و مطالعات اندونزی در زمینه بهره‌وری، صرفاً در حد سازوکار یا شاخص مورد بررسی قرار می‌گیرند.

معیار انتخاب تجربه تطبیقی عبارت است از: وجود قاعده حقوقی قابل شناسایی، وجود نهاد مسئول مشخص، امکان استخراج سازوکار اجرایی، وجود داده یا گزارش رسمی در صورت ادعای عملکرد، و قابلیت مقایسه با مسئله حقوقی مورد مطالعه در ایران. بنابراین، استفاده از تجربه تطبیقی به معنای انتقال مستقیم مدل نیست؛ بلکه ابتدا باید سازوکار حقوقی آن شناسایی و سپس سازگاری آن با ساختار حقوقی و فقهی ایران ارزیابی شود.

جدول زیر بر اساس تحلیل‌های نگارنده از قواعد و قوانین ایران و ترکیه تنظیم شده است:

بعد	شاخص	مبنای ارزیابی	ترکیه	ایران
پایداری حقوقی	وضوح قواعد	تعداد و انسجام قواعد و حدود صلاحیت	قانون مدنی ۴۷۲۱ و قانون ۵۷۳۷	قواعد قانون مدنی و قوانین خاص
پایداری حقوقی	حمایت از دارایی	قواعد حفظ، ثبت و اداره دارایی	قانون ۵۷۳۷ و مقررات اجرایی	قواعد وقف در قانون مدنی و اوقاف
پایداری اقتصادی	امکان بهره‌برداری	وجود مجوزها و سازوکارهای قانونی	تأکید صریح قانون ۵۷۳۷ بر مدیریت اقتصادی دارایی	در چارچوب وقف و مقررات خاص
کارآمدی نهادی	وضوح صلاحیت	تفکیک مسئولیت‌های مدیریت و نظارت	مدیریت و نظارت در ساختار VGM و انواع وقف	متولی، ناظر و سازمان اوقاف حسب مورد
کارآمدی نهادی	ارزیابی عملکرد	وجود برنامه و گزارش عملکرد	برنامه‌ها و گزارش‌های عملکرد رسمی VGM موجود است	نیازمند توسعه شاخص‌های واحد
حکمرانی	گزارشگری	الزام و دسترسی به اطلاعات	نیازمند ارزیابی مقررات و داده‌های عملکردی	نیازمند ارزیابی مقررات و رویه
مدیریت دارایی	ثبت و داده	ثبت دارایی و سامانه اطلاعاتی	VGM دارای سامانه‌های اداری و فرایندهای دیجیتال است	نیازمند توسعه و یکپارچه سازی
پیامد	کارآمدی واقعی	بازده، هزینه، زمان و اثر اجتماعی	برای نتیجه‌گیری نیازمند تحلیل گزارش‌های عملکرد	برای نتیجه‌گیری نیازمند داده تجربی

جدول شاخص‌های تطبیقی پایداری حقوقی و کارآمدی نهادی

۴-۳- پیامدها و آثار اجرای الگوی پیشنهادی

اجرای الگوی پیشنهادی برای پایداری و کارآمدی موقوفات پیامدهای چندبعدی حقوقی، نهادی و اقتصادی در پی دارد که باید هم‌زمان تحلیل و مدیریت شوند تا از آثار جانبی منفی جلوگیری شود و منافع اجتماعی-اقتصادی حداکثر شود. از منظر اقتصادی، تبدیل موقوفات به وقف مولد و راه‌اندازی صندوق‌های سرمایه‌گذاری وقف می‌تواند روانه سرمایه به پروژه‌های درآمدزا کند، افزایش جریان نقدی و بازده دارایی‌های وقفی را فراهم آورد و ظرفیت مشارکت با بخش خصوصی و نهادهای تأمین مالی را بالا ببرد؛ شواهد تجربی نشان می‌دهد که مدل‌های سرمایه‌گذاری وقف می‌توانند به صورت معناداری در تأمین مالی آموزش، بهداشت و اشتغال نقش ایفا کنند، مشروط به وجود چارچوب‌های حکمرانی و شفافیت مالی قوی (توحیدی و همکاران، ۱۴۰۳: ۶۵۴). اجرای الگوی یکپارچه نیازمند بازتوزیع نقش‌ها میان نهاد متولی، نهاد ناظر و ساختارهای پشتیبان، مانند هیأت‌های

تخصصی و واحدهای مدیریت دارایی است؛ در غیر این صورت، افزایش اختیارات مدیریتی بدون تضمین پاسخگویی و کنترل های نظارتی می تواند به ریسک های سوءمدیریت، تعارض منافع و سیاسی شدن مدیریت موقوفات منتهی شود. مطالعات حکمرانی نشان می دهد که تفکیک وظایف، مکانیزم های حسابرسی مستقل و انتشار منظم گزارش های عملکردی، لازمه جلوگیری از چنین پیامدهایی است.

بازنگری قوانین و ایجاد الزامات جدید، مانند الزام ثبت دیجیتال املاک، استانداردهای گزارشگری و چارچوب های اجازه نامه برای سرمایه گذاری، آثار مثبت و منفی خواهد داشت: مثبت از این جهت که امنیت حقوقی و قابلیت انتقال سرمایه های وقفی افزایش می یابد و سرمایه گذاران ریسک کمتری متحمل می شوند؛ منفی از این جهت که اگر قوانین به گونه ای تنظیم شوند که محدودیت های شرعی یا اجتماعی را نادیده بگیرند، ممکن است مقاومت اجتماعی و حقوقی ایجاد کنند. تجربه های تطبیقی تأکید دارند که هر اصلاح حقوقی باید با مشاوره فقهی و مشارکت ذی نفعان محلی طراحی شود تا مشروعیت شرعی و پذیرش اجتماعی حفظ گردد (اشیاع و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۶).

پیامدهای اجتماعی نیز قابل توجه اند: اگر الگو به درستی اجرا شود، توزیع منافع موقوفات می تواند هدفمندتر شود و دسترسی گروه های محروم به خدمات آموزش و سلامت و حمایتی افزایش یابد؛ همچنین، ایجاد شفافیت و گزارشگری عمومی اعتماد عمومی را تقویت می کند و از این راه منابع جدید اوقافی را جذب می نماید. اما اگر سازوکارهای پایش و ارزیابی نباشند، خطر منابع گشی و تخصیص ناکارا به پروژه های کوتاه مدت وجود دارد. مطالعات نشان می دهد که پیوند شفاف بین اهداف واقف و عملکرد موقوفه با شاخص های اثرگذاری اجتماعی باید برقرار شود (ولی زاده و حسنخانی، ۱۴۰۴: ۳۴).

لایه	اجزای اصلی	شاخص پیشنهادی
حقوق	وضوح، ثبات، حمایت از دارایی، قابلیت انطباق	تعداد تعارض های صلاحیتی، وضوح قواعد، امکان اصلاح قانونی
نهاد	مدیریت، نظارت، ارزیابی	تفکیک وظایف، زمان تصمیم گیری، وجود ارزیابی مستقل
حکمرانی	گزارشگری، پاسخگویی، تعارض منافع، اطلاعات	انتشار گزارش، دسترسی به داده، سازوکار شکایت و کنترل
پیامد	پایداری و کارآمدی	استمرار درآمد، حفظ ارزش دارایی، تحقق هدف، اثر اجتماعی

جدول الگوی پیشنهادی برای پایداری و کارآمدی موقوفات

به نظر نگارنده، پیامد فناورانه و داده محور نیز برجسته است: پیاده سازی سامانه های ثبت دیجیتال، گزارشگری آنی و شاخص های عملکرد امکان نظارت مستمر و تحلیل سیاست محور را فراهم می آورد؛ اما چنین تحولاتی به سرمایه گذاری اولیه، ظرفیت سازی نیروی انسانی و تضمین امنیت داده نیاز دارد. کشورهایی که این پیش نیازها را برآورده کرده اند شاهد بهبودهای سریع تری در بهره وری موقوفات بوده اند. اجرای موفق الگوی پیشنهادی مستلزم رویکردی مرحله ای و هم زمان در سه بُعد قانون گذاری، نهادسازی و فناوری است. توصیه می کنم ابتدا اصلاحات حقوقی خرد (الزام به ثبت و گزارشگری استاندارد) و ایجاد نهاد ناظر مستقل در اولویت قرار گیرد، سپس با برنامه ریزی سرمایه ای و طراحی صندوق های وقف مولد وارد فاز اجرایی شوند؛ در تمام مراحل باید مشورت فقهی، مشارکت محلی و مکانیسم های ارزیابی اثرگذاری اجتماعی رعایت گردد تا انتقال وقف از حالت خیریه منفعل به ابزار توسعه پایدار، با کمترین ریسک و بیشترین بازده اجتماعی محقق شود. نخست، لازم است قواعد مربوط به اداره و نظارت بر موقوفات از حیث توزیع صلاحیت ها روشن تر شوند و حدود مسئولیت متولی، ناظر و نهاد دولتی بدون تداخل تنظیم گردد. دوم، ثبت و شناسایی دارایی های وقفی باید به صورت یکپارچه و قابل اتصال به اطلاعات مالی و مدیریتی انجام شود. سوم، استانداردهای گزارشگری برای موقوفات باید متناسب با ماهیت آنها تدوین شود تا اطلاعات دارایی، درآمد،

هزینه و نحوه مصرف منافع قابل ارزیابی باشد. چهارم، توسعه بهره‌برداری اقتصادی از موقوفات باید از مسیر قواعد روشن حقوقی انجام گیرد. هرگونه پیشنهاد درباره صندوق‌های سرمایه‌گذاری وقفی، وقف مولد یا مشارکت با بخش خصوصی نیازمند تعیین وضعیت مالکیت دارایی، حدود اختیار مدیر، نحوه تقسیم منافع، مسئولیت در برابر زیان و سازوکار نظارت است. پنجم، ارزیابی عملکرد باید از مدیریت اجرایی تفکیک شود تا شاخص‌های عملکرد بتوانند مبنای اصلاح تصمیم‌های مدیریتی قرار گیرند.

نتیجه

مقایسه ایران و ترکیه نشان می‌دهد که تفاوت میان دو نظام وقفی را نمی‌توان تنها با میزان تمرکز دولت یا تعداد قوانین توضیح داد. در هر دو کشور، قواعد حقوقی و نهادهای عمومی در اداره و نظارت بر موقوفات نقش دارند، اما نحوه توزیع صلاحیت، طبقه‌بندی موقوفات و تنظیم مدیریت دارایی متفاوت است. در ترکیه، قانون مدنی شماره ۴۷۲۱ و قانون موقوفات شماره ۵۷۳۷ چارچوب مشخصی برای شخصیت حقوقی وقف، اداره، نظارت و مدیریت اقتصادی دارایی‌ها ایجاد کرده‌اند و سازمان کل موقوفات نیز دارای ساختار رسمی برای اجرای وظایف خود است. در ایران، قانون مدنی، قانون اوقاف و قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مجموعه اصلی قواعد مربوط به وقف و ساختار اداری آن را تشکیل می‌دهند.

یافته اصلی پژوهش آن است که برای ارزیابی پایداری و کارآمدی وقف، باید چهار سطح حقوق، نهاد، حکمرانی و مدیریت دارایی از یکدیگر تفکیک شوند. پایداری حقوقی به استمرار و قابلیت پیشبینی قواعد مربوط است؛ کارآمدی نهادی به کیفیت اجرای وظایف و کاهش اتلاف و تعارض صلاحیت مربوط می‌شود؛ حکمرانی به نحوه تصمیم‌گیری و کنترل قدرت می‌پردازد؛ و مدیریت دارایی، ظرفیت حفظ ارزش و ایجاد منفعت مستمر را تعیین می‌کند. این چهار سطح در ارتباط با یکدیگر قرار دارند، اما هیچ کدام به‌تنهایی معادل کارآمدی نیست.

بر این اساس، نمی‌توان صرفاً با استناد به وجود نهاد متمرکز، قواعد گزارشگری یا امکان بهره‌برداری اقتصادی، ترکیه را به‌طور کلی کارآمدتر از ایران دانست. چنین نتیجه‌ای نیازمند تحلیل مستقل داده‌های عملکردی و شاخص‌های قابل اندازه‌گیری است. آنچه از مقایسه حقوقی حاضر می‌توان با اطمینان بیان کرد، تفاوت در طراحی و ظرفیت سازوکارهای حقوقی و نهادی است. از این منظر، تجربه ترکیه برای ایران بیشتر از حیث شناسایی سازوکارهای قابل مطالعه اهمیت دارد، نه به‌عنوان مدلی که بدون تعدیل باید اقتباس شود. الگوی پیشنهادی پژوهش بر پیوند چهار لایه حقوق، نهاد، حکمرانی و پیامد استوار است. بر اساس این الگو، اصلاحات آینده باید ابتدا حدود صلاحیت‌ها و قواعد مدیریت دارایی را روشن کند، سپس تفکیک مدیریت و نظارت را تقویت نماید، در مرحله بعد سازوکارهای گزارشگری و ارزیابی عملکرد را توسعه دهد و در نهایت نتایج اقتصادی و اجتماعی موقوفات را با شاخص‌های مشخص ارزیابی کند. چنین رویکردی امکان می‌دهد پایداری و کارآمدی موقوفات نه به‌عنوان مفاهیم کلی، بلکه به‌عنوان نتایجی قابل سنجش از عملکرد یک ساختار حقوقی و نهادی بررسی شوند.

منابع

الف) فارسی

- ۱- اشیا، عباس و همکاران (۱۴۰۲)، آسیب شناسی فقهی و حقوقی وقف نامه (مطالعه موردی، تأثیر نیت اشتباه واقف در وقف نامه منتخب)، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضائی، دوره ۲۸، شماره ۱۰۳.
- ۲- توحیدی، محمد و همکاران (۱۴۰۳)، امکان‌سنجی مالی، فقهی و مقرراتی پیاده‌سازی صندوق سرمایه‌گذاری ترکیبی وقف-نیکوکاری در بازار سرمایه جمهوری اسلامی ایران، مطالعات اقتصاد اسلامی، دوره ۱۵، شماره ۲.
- ۳- حائری یزدی، محمدحسن (۱۳۸۰)، وقف در فقه اسلامی و نقش آن در شکوفایی اقتصاد اسلامی، چ ۲، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- ۴- سیدحسینی، سید محمد و همکاران (۱۳۹۲)، بهبود روشهای مدیریت در سازمان اوقاف و اثر آن بر افزایش بهره‌وری در حوزه وقف، مدیریت اسلامی، دوره ۲۱، شماره ۱.

- ۵- قانون اوقاف مصوب ۱۳۵۴
- ۶- قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳
- ۷- مرتضوی، مهدی (۱۴۰۲)، طراحی الگوی حکمرانی نظام وقف در ایران (با تأکید بر نقش امنا)، مطالعات وقف و امور خیریه، دوره ۱، شماره ۱.
- ۸- محقق داماد، مصطفی و مهریار، محمد (۱۳۹۹)، تحلیل فقهی و حقوقی وقف، ج ۱، چ ۱، تهران: انتشارات علوم اسلامی.
- ۹- ولی زاده، محمد جواد و حسنخانی، احمد رضا (۱۴۰۴)، چالش‌ها و موانع توسعه وقف در ایران، مطالعات وقف و امور خیریه، دوره ۳، شماره ۱.

ب) لاتین

- 10- Akar, Tuba (2011), Vak flar Genel Müdürlüğü ve vak f kültür varl klar n n korunmas . Erdem 59.
- 11- Ayub, Muhammad, et al., (2025), Management and governance of Awqāf as social finance institutions. Qualitative Research in Financial Markets. <https://www.emerald.com/qrfin>
- 12- Elmahgop, Faiza, et al., (2025), The Socio-Economic Impacts of Waqf Investment Funds as a Model for Sustainable Financing in Saudi Arabia. Sustainability 17.9.
- 13- Hadi, Muhammad, et al., (2025), Toward a Holistic Legal Framework for Effective Waqf Implementation: Integrating Islamic Socio-Economic Models. *Volksgeist: Jurnal Ilmu Hukum dan Konstitusi*.
- 14- Hanna, Nelly (2012), The Long Divergence : How Islamic Law Held Back the Middle East.
- 15- Harvard University (2026), Harvard's Endowment, Harvard Financial Administration, available at: <https://finance.harvard.edu/endowment>
- 16- Hassan, Rusni et al., (2022) A review on governance and best practices in waqf management for sustainable development in selected Malaysian states and other countries. Towards a Post-Covid Global Financial System : Lessons in Social Responsibility from Islamic Finance
- 17- Ishak, Amal Hayati, et al., (2025), The critical success factors of waqf land development for sustainable agriculture. Social Sciences & Humanities Open 11
- 18- Ismail, Muslih Mohamed, and Magda Ismail Abdel Mohsin (2023), Enhancing the regulatory framework for waqf in the Maldives. International Journal of Islamic Economics and Finance Research 1.
- 19- Kamaruddin, Muhammad Iqmal Hisham, and Mustafa Mohd Hanefah (2021), An empirical investigation on waqf governance practices in waqf institutions in Malaysia. Journal of Financial Reporting and Accounting 19.3.
- 20- Karakaya, Şule (2025), TÜRK MEDENİ HUKUKUNDA VAKIFLARIN DENETİMİ. Medeni Hukuk Dergisi 2.1.
- 21- Koç Holding (2026), Vehbi Koç Foundation, available at: <https://www.koc.com.tr/sustainability/vehbi-koc-foundation>.
- 22- Latif, Saripah Abdul et al., (2018), The role of good waqf governance in achieving sustainable development. Environment-Behaviour Proceedings Journal 3.7.

- 23- Mahardika, Swadia Gandhi, and Afifa Tanweer (2025), Environmentally Friendly Waqf Model: A Response to Sustainable Economic Development and the Presence of a Circular Economy. *Journal of Islamic Economics and Business Ethics* 2.1.
- 24- Mahmud, Syahirah, and Nazrul Hazizi Noordin (2024), Constructive collaboration in ensuring the sustainability of waqf fund in Malaysia: a case study of myWakaf initiative. *Journal of Islamic Social Finance* 2.2.
- 25- Maulida, Syahdatul, and Nisful Laila (2023), Measuring the Productivity of Indonesia Waqf Institution (2015–2021): A Malmquist Index. *International Journal of Waqf* 3.1.
- 26- Puder, Marcus G (2022), Mixed Jurisdiction Law Beyond the Purported Common Law–Civil Law Dichotomy: The Property Endowment in Iran. *U. Pa. Asian L. Rev.* 18.
- 27- Qurrata, Vika Annisa, et al., (2024), Waqf Sustainability or Sustainable Waqf? A Bibliometric Analysis. *Millah: Journal of Religious Studies*.
- 28- Roslan, N., and N. Muhamad (2024), Waqf reporting standardization: Towards a comprehensive governance framework. *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences* 14.1.
- 29- Rusydiana, Aam Slamet, et al., (2025), Waqf Development Models for Sustainable Development Goals: An Analytic Network Process Approach. *International Journal of Islamic Finance and Sustainable Development* 17.1.
- 30- Rusni, Hassan et al., (2022), A review on governance and best practices in waqf management for sustainable development in selected Malaysian states and other countries. *Towards a Post-Covid Global Financial System: Lessons in Social Responsibility from Islamic Finance*.
- 31- Shariff, Mohd et al., (2023), Proper waqf management and waqf accounting report: A mean to solve economic problems in Indonesia. *International Journal of Emerging Trends in Social Sciences* 14.1.
- 32- Suhailah, Suhailah et al., (2024), Analysis of the implementation of the waqf core principles on institutional financial performance waqf in Tanjungbalai, North Sumatera. *International Journal of Financial, Accounting, and Management* 6.2.
- 33- University of Oxford (2026), Our Endowment, available at: <https://www.ox.ac.uk/about/how-we-are-run/governance-finance/finance-funding/endowment>
- 34- Yildirim, Mine (2013), The Return of Property to Community Foundations in Turkey: The Legislative Decree. *European Yearbook of Minority Issues Online* 10.1.
- 35- Zulkifli, Nursyahida, et al., (2022), An empirical investigation on integrated waqf governance in Malaysian waqf institutions. *Environment-Behaviour Proceedings Journal* 7.22.

Assessment of legal and institutional strategies for the sustainability and efficiency of endowments in Iran and Turkey.

Abstract

The present study aims to comparatively analyze the legal and institutional capacities affecting the sustainability and efficiency of endowments (waqfs) in Iran and Türkiye. The main issue of the research is not merely to compare the performance of endowments, but rather to identify the structural differences between the two systems across four levels, law, institutions, governance, and asset management, and to examine the relationship of these levels with the sustainability and efficiency of endowments. The research adopts a descriptive-analytical and comparative methodology based on documentary research. Accordingly, the principal laws and regulations of the two countries, official documents of the relevant managing and supervisory institutions, organizational reports, and related scholarly studies were examined and subsequently compared on the basis of predetermined indicators. To avoid conflating the existence of a legal mechanism with its actual effectiveness, legal sustainability, economic sustainability, institutional efficiency, and governance have been defined as distinct concepts. The findings indicate that the Turkish legal system, particularly under Waqf Law No. 5737 and the regulations governing the activities of the General Directorate of Foundations, has established a relatively explicit framework for the registration, protection, administration, and economic utilization of waqf assets. In Iran, likewise, the Civil Code, the Endowments Law, and the Law on the Organization and Powers of the Endowment and Charity Organization provide a defined legal framework for the establishment, administration, and supervision of endowments, although the institutional and managerial mechanisms in the two systems differ. Based on the comparative indicators, the mere existence of regulations or institutional centralization cannot, by itself, be regarded as evidence of the greater efficiency of one system.

Keywords: Endowments, Legal Sustainability, Endowment Governance, Iran, Türkiye.